

نمونه هولناک بی عدالتی و فروپاشی ارزش‌ها موقعیت کشور عزیزما افغانستان در صفحه بازی شطرنج نیرنگ بازی‌های امنیتی پاکستان با کارت تی. تی. پی.

قانون طبیعی بمثابة مهیا کننده قرارداد اجتماعی
تقابل منافع و تناقض مصالح در کشورما
چگونگی مهار نمودن تهدیدهای غرب
تسلیمی جمهوری به تروریزم

قبل از پرداختن به زمینه‌های سیاسی بیعدالتی، بنظرمی رسد شناخت
اجمالی از سیاست و جوهر آن لازمی بنظر می رسد. درباره ارتباط سیا
ست با بی عدالتی می توان عوامل زیر اشاره نمود: تمرکز قدرت، عدم
مشارکت شهروندان، مرحله کسب قدرت و مرحله اعمال قدرت. عدالت
خواهی، عمری به بلندای تفکر انسان دارد؛ از زمانیکه انسان به تفکر
پرداخته، عدالت یکی از موضوعات مهم آن بوده است. هیچ مکتب و
یا نحله فکری، بگونه بی تفاوتی از کنارش رد نشده است. عدالت با
اینکه مورد توجه جدی بوده و هست، بازگوهری کانگ نشود گفت نایا
ب، میتوان گفت کمیاب می باشد، اما بی عدالتی در گوشه گوشه جهان
بیداد می کند. نبود عدالت اجتماعی بدون زمینه نبوده، بلکه زمینه
های است که سبب ساز بی عدالتی و محرومیت انسان‌ها از حقوق
شان می گردد. این زمینه تا فهم نشود، رسیدن به عدالت اگر محال
نباشد، حداقل مشکل بنظر می رسد. پس بمنظور اینکه عدالت صرفن
حالت آرمانی نداشته باشد و بمرحله ظهور برسد، باید زمینه‌های بی
عدالتی شناخته شده و برطرف گردد تا در چنین وضعیتی، تحقق عدا
لت مقدور یا سهل شود. زمینه‌های فرهنگی اجرایی نشدن عدالت را
می توان ذیلن برشمرد: عدم آگاهی، عدم مطالعه روشمند و برتری
طلبی که بموارد یادشده بهیچوجه و هیچگاهی نباید کم بها قایل گردید.

بادر نظر داشت کلیات موضوع مورد بحث در مختصر نیشته حاضر، به بررسی رویکردهای منطقوی در قبال قضایای
کشور عزیزما و چگونگی درک و برداشت کشورهای علاقمند مانند پاکستان، ایران، کشورهای همجوار آسیای میانه
از قبیل هند، چین و کشورهای غربی بمفهوم وسیع کلمه وמושگافی در مورد مشخصه منافع آنها در منطقه، اختصاص
داده شده است. اما قبل از سایر مسایل وموارد مطرح در زمینه متذکره، در میان سایر کشورهای درگیر در قضایای کشور
عزیزما، بایست از چگونگی برداشت آنها ونحوه موضعگیری‌های عملی آنها در قبال کشور عزیزما و اینکه سیاست
های آنها در قبال کشورما افغان‌ها بر چه منوالی تهیه و تنظیم گردیده، باید تصور روشن و واضحی ارائه نمود. اما
تذکر این مسأله را نباید هیچگاهی فراموش نمود که پاکستان در میان سایر کشورهای مطرح در قضایای کشورما، از
جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و تا هنوز هم در مورد حفظ جایگاه و اثرگذاری‌های قبلی اش در مورد کشور عزیزما
با سماجت عرق ریزی مینماید. در واقعیت امر، با توسعه و استمرار رویکردها و تداوم راهبردهای نظامیان پاکستانی،
اداره اسلام آباد بگونه تب آلودی تلاش می ورزید تا بنحوی از انحاء در تقویت و تثبیت توانایی‌های جنگی "طالب"ها
سهمش را ادا نماید، امر فوق بویژه پس از فروپاشی حاکمیت در مزار شریف در امتداد سال ۱۳۷۵ خورشیدی از قوه
بفعل مبدل گردید که در نوع خود می توان آنرا بمثابة تلاش‌های دیپلماتیک اسلام آباد در رابطه با تحولات کشور
عزیزما پنداشت، تا اینجای کار، دیپلوماسی پاکستان در مورد کشور عزیزما بر بنیاد برخی از علل و واقعیت‌های
داخلی و خارجی کار ساز واقع گردید. اصول کلی سیاست خارجی کشور اخیر الذکر بر اساس و بنیاد دستیابی با اهداف

ملی آنکشور، از جمله، نفوذ قابل ملاحظه درکشورما افغان ها سرهم بندی گردیده و در امر از قوه بفعول مبدل کردن و دستیابی به مأمول فوق، بگونه طبیعی در خدمت زمامداران اسلام آباد قرار دارد. بخاطر ما باشد که نظامیان پاکستانی، بویژه بمنظور استفاده از "طالب" ها بمثابة ابزار سیاسی، اقتصادی و نظامی، در نطفه گذاری، تشکل، ایجاد و در نهایت امر، در حمایت و پشتیبانی از آنها، نقش عمده و تعیین کننده ای ایفا نموده و همواره با استفاده از تمامی وسایل و امکانات، از برقراری و پایه گذاری حاکمیت و دولت قدرتمند مرکزی در کابل که منافع پاکستان را بخطر مواجه نماید، جلوگیری بعمل آورده و از ایجاد موانع و سنگ اندازی در مسیر یادشده دریغ نورزیده و نمی ورزد. بنابراین، پاکستان بویژه در امتداد نیم سده پسین، ترجیح داد تا در جغرافیای متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، حاکمیت هایی از نوع طالبانی را ابداع نموده و از آنها حمایت بعمل آورد تا قادر گردد بر راحتی و بدون مانعی با اهداف ستراتیژیک آن کشور در افغانستان عزیز ما موفق گردد. منافع پاکستان را بگونه مجموعی می توان بشکل ذیل خلاصه نمود:

از نقطه نظر ژئوپولیتیک، حاکمیت های سیاسی - نظامی در پاکستان با نادیده گرفتن مشکل و معضل "خط دیورند"، در صدد تضعیف توانایی های ملی و بمنظور ایجاد و برقراری حاکمیتی ضعیف و مطیع پاکستان در کشور ما بوده تا در کنار اهداف گونه گونه، بویژه از تشکل و پایه گذاری حاکمیت افغانی که منافع پاکستان را تهدید نماید، عملن جلوگیری بعمل آورد، این اولن؛

از منظر ژئوایکونومیک، پاکستان بدنبال دسترسی مستقیم و بلامانع به بازارها و امکانات موجود، بویژه در صدد استفا ده گسترده از منابع عظیم نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و همچنان در تلاش تبدیل کشور ما به بازار کالاهای مصر فی می باشد. همه باین واقعیت معترفند که جابجایی و استقرار "طالب" ها در کشور ما، بخشی از ستراتیژی یادشده تلقی می گردد، این ثانین؛

و در نهایت امر، از دیدگاه اهداف ژئوستراتیژیک، رقابت و رویارویی های ستراتیژیک پاکستان با کشور هند، تعیین کننده اصل موازنه قدرت در جنوب آسیا پنداشته می شود. پاکستان بمثابة کشور همجوار با میهن ما و کشور هند، تلاش می ورزد تا اهمیتش را در این میان همچنان حفظ نماید. کشور یادشده بگونه همیشگی تلاش بعمل آورده تا با مداخله در امور و مسایل مرتبط با هند، بمنظور حفظ نفوذ پاکستان، از شکل گیری ائتلاف های منطقوی ایران - روسیه - هند و یا از اتحاد هند با ایالات متحده بهره شکل ممکن جلوگیری بعمل آورد.

از جهت دیگر، نظارت بر عملکردها و چگونگی موضعگیری های "طالب" ها از طریق پایه گذاری و ایجاد حاکمیت دوست پاکستان در کشور ما، بویژه بمنظور حفظ نفوذ ژئوپولیتیک، ژئوایکونومیک و ژئوستراتیژیک پاکستان در منطقه محسوب می گردد، این ثالثن؛

اما نباید فراموش نمود که حذف "طالب" ها از قدرت در کشور ما، توانایی های پاکستان بمنظور دستیابی با اهداف یاد شده را محدود و محدود تر نموده و بگونه بالقوه اسباب تقویت رقبای منطقوی آنکشور را فراهم خواهد نمود. از جانب دیگر، جمهوری اسلامی ایران بمثابة بازیگر مهم دیگر در قضایای کشور عزیز ما پنداشته می شود. اصل به قدرت رسیدن "طالب" ها در کشور ما برای ایران غیر منتظره بوده و نگرانی هایی را برای جانب ایرانی بیار آورد. ایران "طالب" ها را بمثابة گروه خطر آفرینی می شناسد که توسط برخی از کشورهای منطقه و بگونه مستقیم و غیر مستقیمی از جانب بعضی از قوت های جهانی حمایت و پشتیبانی می گردند. ایران چنین می پندارد که "طالب" ها با تفسیر افراطی از احکام دینی اسلام و با استفاده و بکارگیری از تاکتیک های سرکوبگرانه، بدنبال تضعیف آموزه های یادشده و بدنبال تحدید سیاست های منطقوی ایران می باشند. در حالی که تهران ممکنست "طالب" ها را بمثابة متحدی در امر تقابل و رویارویی با ایالات متحده محسوب نماید، اما این واقعیت را فراموش نموده است که چگونه "طالب" ها قبل برین با بقتل رساندن دیپلومات های ایرانی و تهدید امنیت آنکشور، باتش دشمنی و تقابل با ایران، هیزم ریختند. برخی ها، از همان ابتدا، تهاجم نظامیان امریکایی بکشور عزیز ما را در امتداد سال ۲۰۰۱ ترسایی که به سرنگونی دور نخست حاکمیت "طالب" ها منجر گردید، وضعیت یادشده را برای ایران و منافع آنکشور مفید می پنداشتند، چه، رقیب ایدئولوژیک و تهدید آشکار برای امنیت آنکشور حذف گردید بود. مطرح گردیدن هدف مشترک اینچنینی میان ایالات متحده و ایران، خود حاکی از موجودیت امکانات همکاری پنداشته می شد.

تهران از زمانی که "طالب" ها در کابل بقدت رسیدند، رویکرد انتظار را پیشه نمود. تسلط ناگهانی و سریع "طالب" ها بر کابل، تهران را وادار بانجام کار و اتخاذ اقدامی در مورد وضعیت پیش آمده نمود. با وجود مخالفت های دراز مدت تهران با کابل، ایران بدنبال درگیری های جزئی میان شبه نظامیان "طالب" ها و مرزبانان ایرانی در ولایت نیمروز کشور ما در امتداد ماه قوس سال ۱۴۰۰ خورشیدی، تمایلی حاکی بر تعامل سازنده با "طالب" ها نداشته است. مقامات

رهبری جمهوری اسلامی ایران تلاش بعمل می آورند تا از تکوین وضعیت غیرقابل پیشبینی، بویژه در رابطه به گسترش توانایی های "طالب" ها در مورد استفاده و بکارگیری از سلاح ها و تجهیزات بجامانده نظامیان امریکایی در کشورما جلوگیری بعمل آورند. با درنظر داشت ضرب المثل معروف که "باخت بانسان هوشیار بهتر از تداوم بازی با شخص احمق می باشد،" تهران را ناگزیر باتخاذ مواضع تدافعی نمود.

عربستان سعودی با وجود آنکه از زمان "جهاد" درکشورما، بویژه درامتداد سال های ۱۳۷۲ - ۱۳۷۴ خورشیدی، یکی از منابع اصلی ارائه امداد اقتصادی بگروها ودسته بندی های جهادی سنی محسوب می گردید، اما مساعدت ها ی یادشده را بمثابة بخشی از ستراتیژی ایدئولوژیک شان می پنداشتند که سهم مهم و قابل توجهی دردرگیری ها و مناقشه های موجود درکشورما ایفا ننمود. قابل یاددهانی پنداشته می شود که حمایت های کشورمتذکره از "طالب" ها بویژه در امتداد سال ۱۳۷۴ خورشیدی وسعت قابل ملاحظه ای کسب نمود. زمانی که عربستان سعودی بمثابة منبع اصلی و عمده تأمین مالی گروه متذکره، در امرحذف تمامی گروها وجناح های دیگر از عرصه نظامی درکشورما ایفا نمود. پس از انجام سفرشهبزاده ترکی الفیصل رئیس خدمات اطلاعاتی آنکشور به پاکستان درامتداد ماه جوزای سال ۱۳۷۴ خورشیدی، عربستان سعودی بحامی اصلی مالی "طالب" ها مبدل گردید. اما با وجود اینهمه، سلطنت سعودی ها بدلیل پناه دادن "طالب" ها باسلامگرایان ضد سعودی، از نگرانی های شدیدی در رنج بسر می بردند. این مسأله نیز قابل تذکر پنداشته می شود که سفارت عربستان سعودی در کابل، یکی از چهار سفارتخانه ای بود که الی ورود "طالب" ها بکابل، بویژه وظایف ومکلفیت های قونسل را انجام می داد.

در مورد کشور هند باید یاددهانی بعمل آورد که با بقدرت رسیدن "طالب" ها درکشور، در هر دو دوره زمامداری شان، اسباب ایجاد نگرانی هایی را در داخل هند فراهم نمودند که در نوع خود، مملو از پیامدهای نامطلوبی برای آنکشور بود. پس از تصرف کابل توسط "طالب" ها، سفارتخانه هند در کابل مسدود گردیده و چون دولت هند، مشروعیت "طالب" ها را برسمیت نمی شناخت، بر این بنیاد، مناسبات و روابط دیپلوماتیک آنکشور با حاکمیت "طالب" ها نیز قطع گردید. علاوه بر آن، هند در مجموع، ماهیت و مضمون کلی عملکرد و طرز نگاه ایدئولوژیک "طالب" ها را بمثابة تهدیدی برای امنیت ملی آنکشور محسوب می نماید، چه، بر بنیاد اظهارات مقامات امنیتی و مراتب قدرت هندی، گسترش افکار آنها در جمووکشمیر نیز امنیت هند را مورد تهدید قرار می دهد. در کنار سایر واقعیت های مربوط، بقدرت رسیدن "طالب" ها، آنهم بکمک و یاری پاکستان، رقیب دیرینه و تاریخی هند، هرگونه منافع بالقوه را برای آنکشور محدود و محدودتر نمود.

خوب بخاطر داریم که حمله بمرکز تجارت جهانی در ایالات متحده بتاريخ ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ ترسای و فروریختن برج های یادشده، سبب ساز یورش نظامیان پنتاگون بسرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیزما گردید، وضعیت اینچنینی درست در مقطع زمانی صورت عملی بخود اختیار نمود که ایالات متحده در اوج قدرت قرار داشته و مشغول انجام و بسر رساندن عملیات های منحصر بفردش بود، این در حالی بود که کشور نامبرده بویژه پس از فروپاشی اتحادشوری، به یکه تازی هایی متوسل گردیده و بر تمامی نظم جهانی مسلط گردیده بود.

بنابراین، واشنگتن بویژه پس از ۱۱ سپتامبر شاهد مواجهه گردیدن با رقیبان و دشمنان جدیدی بوده که در نهایت امر، اصل مبارزه با تروریسم به اولویت ژئوپولیتیکی سیاست خارجی ایالات متحده مبدل گردید. بخاطر ما باشد که شکل بندی و پیدایش کد ژئوپولیتیکی، درحقیقت امر، بگونه کلی نتیجه عملکرد مجموعه ای از تفکرات سیاسی و جغرافیا یی محسوب می گردد.

در اینمورد قابل یاددهانی پنداشته می شود که تلاش کشورها بمنظور دستیابی با اهداف موردنظر، سبب چنین وضعیتی می گردد. در امتداد سال های یادشده، امر مبارزه علیه تروریسم، بویژه بیک اولویت سیاست خارجی کشورما مبدل گردیده و با پناه گرفتن "القاعده" در میهن عزیزما، افغانستان از نقطه نظر جغرافیایی، اقتصادی و ژئوپولیتیکی از اهمیت منحصر بفردی برخوردار گردید.

در اوایل دهه ۲۰۲۰ سیاست واشنگتن در قبال کشورما دستخوش تغییرات اساسی قابل توجهی گردید. بسیاری از کشورها، از جمله روسیه، چین و ایران با حمایت از "طالب" ها، مخالف حضور و موجودیت نظامیان امریکایی در کشورما بودند.

اما پس از سپری نمودن دوده موجودیت قوت های نظامی بین المللی، بویژه ایالات متحده در درگیری های مسلحا نه درکشورما درمانده شده و به سیاست مهار و ائتلاف های دیپلوماتیک متوسل گردید.

با وجود اینهمه، ایالات متحده به نظارت دقیق و همه جانبه "طالب" ها ادامه داده و در اداره واشنگتن بصراحت

چنین اقامه دعوا گردیده که گویا واشنگتن آماده است تا در صورت لزوم در جنگ های غیرمتعارف نیز شرکت نموده و سهم گیرد.

یکشنبه ۳۱ ماه سرطان سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۲۱ ماه جولای ساب ۲۰۲۴ ترسایی